

سعدی*

هرمان اته

گوینده دیگر که در عقاید عرفانی خود معتدل‌تر است و عرفان را منحصرأ تابع هدف اخلاقی قرار می‌دهد، و در عالم شرق و غرب مشهور است همانا عبارت است از بزرگترین شاعر پندآموز ایران مشرف‌الدین مصلح‌الدین عبدالله سعدی شیرازی. (عنوان او به حکم قدیم‌ترین نسخه کلیات او که در سال ۷۲۸ نوشته شده و در کتابخانه ایندیا افسیس^۱ موجود است همین است در صورتی که معمولاً شرف‌الدین مصلح بن عبدالله می‌نویسند). سعدی در حدود سال ۵۸۰ هـ در شیراز تولد یافت و در صد و ده سالگی، ۱۷ ذوالحجه سال ۶۹۰ هـ و بنا به عقیده بعضی دیگر ۶۹۱ وفات یافت. در مسلک سعدی از یکسان شمردن خیر و شر و بی‌اعتنایی عارفانه به عقاید مردم خبری نیست، بالعکس وی به حسن شهرت و لزوم احترام بزرگان و بقای نیک‌نامی معتقد است و این اصل را، هم در زندگانی خود و هم در تصنیفات خود که غالباً روح عیسوی از آن جلوه‌گر است نمایان ساخت. پدرش بی‌هنگام بمرد و اتابک سعد بن زنگی (که در ۵۹۱ به حکومت فارس نشست) به ادامه تحصیل او در مدرسه نظامیه بغداد کمک کرد. با این ترتیب اولین دوره از ادوار ثلاثه عمر او یعنی دوره دانشجویی یعنی سال‌های بین ۵۹۲ تا ۶۲۳ آغاز نمود که

* هرمان اته، تاریخ ادبیات فارسی، ترجمه: رضازاده شفق، چاپ دوم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۲۵۳۶.

تمام این مدت را به استثنای مسافرتی که در ۶۰۶هـ به کاشغر نمود، در بغداد گذراند. از همین دوره با وجود قیود سخت فلسفه اخلاقی و احکام که از التزام آنها چاره‌ای نداشت و جولان شاعرانه روح او را مانع بود اشعاری شیرین در وصف یک زندگی نوین نشاط‌انگیز و خوش‌گذارنی از قریحه او تراوش نمود که نام او را محبوب عامه قرار داد. در عین حال وی همت به تحصیل عرفان هم بگماشت و در این راه استاد او شیخ شهاب‌الدین سهروردی مؤسس سلسله سهرودیه بود که در رجب ۵۳۹ تولد و در غره محرم ۶۳۲هـ وفات یافت. در این موقع یعنی به سال ۶۳۲ حامی او سعد بن زنگی به دست مغول زمان زمام ملک را از دست داد و خرابی و هرج و مرج به فارس روی آورد و تمام آن سرزمین را پریشانی فرا گرفت و سعدی مجبور شد به غربت پناه برد و با این واقعه دوره دوم عمر او که بین سنوات ۶۲۳ تا ۶۵۴ طول داشت شروع شد. در این مدت وی تقریباً کلیه ممالک را که اسلامیان می‌شناختند از مشرق تا مغرب سیاحت نمود. بلخ و غزنه و پنجاب را دیدن کرد و به معبد سومنات رفت که در شبه جزیره کجرات واقع است و مدت کوتاهی نزد برهمنان آنجا بماند و خدعه‌ای را که در آن معبد به نام معجزه بت به کار می‌بردند مشاهده نمود. بعد به دهلی رفت و لغت هندوستانی آموخت. پس، از راه دریا به یمن رفت و از آنجا به حبشه رهسپار شد و سرانجام باز به عربستان برگشت.^۲ بارها به زیارت مکه مشرف شد و مدتی در شامات به خصوص در دمشق و بعلبک اقامت نمود و در آنجا به وعظ پرداخت. بعد در جوار بیت‌المقدس در بیابانی اقامت گزید و در آن محل به دست گروهی از جنگ‌آوران صلیبی اسیر افتاده و به طرابلس برده شد و در خندق آنجا به عمال شاقه وادارش کردند. بالاخره توسط دوستی از اهل حلب باز خرید شد و رها گشت. سپس خود را از چنگال دختر این شخص منعم نیز که زن تحمیلی او شده بود آزاد ساخت و بعد از سیاحت در شمال آفریقا سرانجام به موطن خود شیراز برگشت.^۳ در این شهر که در خلال این احوال صلح و آرامش بار دیگر برقرار شده و فرزند منعم سابق شاعر یعنی اتابک ابوبکر بن سعد زمام امور را به دست کفایت خود

گرفته بود، وی به دورهٔ سوم زندگانی دراز خود پا نهاد که سال‌های اوج شهرت او محسوب است و از ۶۵۴ تا ۶۹۰ هـ ادامه یافت. در این دوره سکونت و آرامش بود که سعدی به تألیف و تصنیف مواد و مواضیعی که در نتیجه سی سال جهانگردی و آزمایش و مردم‌شناسی اندوخته بود، اهتمام ورزید و در همان سال ۶۵۵ نغزترین و مغزترین منظومه‌های پندآموزانه خود را که «بوستان» و آن را سعدی‌نامه هم خوانند به رشتهٔ تحریر کشید که در ده باب عالی‌ترین مطالب اخلاقی را مانند عدل و تدبیر، احسان، عشق، تواضع، رضا، قناعت، تربیت، شکر و توبه شرح می‌دهد و آن را با حکایات پر مغز و امثال و حکم تمثیل می‌کند. مخصوصاً باب سوم که در عشق است صبغۀ عرفانی دارد و مبین لطیف‌ترین عقاید صوفیانهٔ سعدی است. یک سال بعد یعنی به سال ۶۵۶ بود که سعدی دومین تألیف معروف خود یعنی «گلستان» را که بیشتر از بوستان شهرت پیدا کرد، بیرون داد و آن از نثر و نظم مرکب است که نسبت به بوستان عمق مطالبش کمتر ولی تنوع و مضامینش بیشتر است. این کتاب مرکب از حکایاتی است که به درجۀ حیرت‌آوری جذاب است و بعضی از آنها تاریخی و برخی افسانوی است و حکایاتی هم ابداع خیال خود شاعر یا نتیجهٔ یادداشت‌های سفر اوست. گلستان هشت باب دارد و مطالب آن بیشتر شبیه بوستان است و از سیرت پادشاهان و درباریان، و اخلاق درویشان و فضیلت قناعت، و فوائد خاموشی، و عشق و جوانی و ضعف پیری و تأثیر تربیت و آداب صحبت بحث می‌کند. همچنین اشعار وافر استاد معطوف به مسائل پند و اخلاق است، گرچه آن اشعار در رنگینی و شکوه به پای اشعار جلال‌الدین نمی‌رسد و گاهی هم عرض و طول زیاد پیدا می‌کند، ولی در احساس گرم و ذوق سرشار و افکار نغز با اشعار جلال‌الدین به خوبی برابری می‌نماید^۲ اشعار سعدی را می‌توان به چند گروه منقسم نمود که تعیین ترتیب تاریخی آنها خالی از اشکال نیست. اول قصاید عربی اوست که شاعر استادی خود را در آن زبان که ناچار در ایام تحصیلش در بغداد آموخته بوده است نشان می‌دهد چنان‌که در نتیجهٔ اقامت در دهلی در بعضی اشعار هم از اصطلاحات

لغت هندوستانی به کار می‌برد. اولین این قصاید مرثیه‌ای است که به مناسبت سقوط بغداد و زوال خلافت مستعصم در سال ۶۵۶ هجری ساخته.^۵ دوم قصاید فارسی که قسمی در مدح ملوک و وزرا و قسمی در مواعظ اخلاقی و دینی است نظیر ظهور احدایت در موسم بهاران طبیعت و بزرگی آفریدگار، و کوشش در راه کسب تربیت، و گذران بودن این جهان، و اجتهاد برای رسیدن به باقیات صالحات، و برگشتن شاعر به شیراز.^۶ سوم مرثی شاعر است در باب اتابک ابوبکر (که ۵ جمادی‌الثانیه ۶۵۸ درگذشت) و در باب پسر و جانشین او سعد دوم که فقط مدتی کوتاه بعد از پدر عمر کرد، نیز در خصوص امیرسیف‌الدین سوریه و یوسف‌شاه از اتابکان فارس، متوفی در سال ۶۶۸ هـ و آخرین خلیفه عباسی هم‌چنین در تلفظ از گذشتن ماه رمضان که معلوم می‌شود مورد تعلق خاطر شاعر بوده است. چهارم عبارت است از ملمعات یعنی غزلیاتی که در ابیات آن مصرع‌های عربی و فارسی هر دو به کار رفته و آخرین آن شعری است که مثلثات نامیده می‌شود یعنی مرکب از سه زبان. زیرا در این شعر، سعدی گذشته از فارسی و عربی از لغات ترکی هم که می‌داشته استفاده نموده. پنجم شعر مصنوع دیگری است در ترجیع‌بند که مرکب است از غزلیات تأثرآمیز. پنجم تا نهم عبارت است از غزلیات در چهار قسمت یعنی طبیات و بدایع که در واقع نخبه غزلیات شاعر است، دیگر خوائتم که مقصود، اشعاری است که از حیث لفظ و معنی ارزش خاصی دارد و پخته‌ترین محصولات قریحه استاد است و معنای آن منحصرأ مربوط به عشق الهی است. دیگر غزلیات قدیم که از دوره جوانی شاعر تراوش نموده. دهم اشعار صاحبیه است که عبارت است از قطعاتی حکمی و بدون تردید مربوط است به صاحب‌دیوان اولین وزیر هلاکو و به خلف او شمس‌الدین محمد جوینی معروف که سعدی با او روابط دوستی نزدیک داشته است (در گذشت او در ۶۸۳ هـ اتفاق افتاد). می‌توان گفت این اشعار کتابی در دستور سیاست و کشورداری است. یازدهم مقطعات است که اشعار کوتاهی است و شباهتی به اشعار اخیرالذکر دارد. دوازدهم رباعیات و مفردات است. گذشته از اینها

مطایبات یا اشعار هزلی که در بعض نسخ به نام «خبیثات» نیز مشاهده می‌شود که حاوی اشعار ناروائیست و تنها عذری که سعدی به حکم مقدمه تازی که نوشته، برای سرودن چنان اشعار ناسزاوار آورده این است که گویا امیری از وی خواستار شده و او از نظم آنها که حرفه سخن‌پردازی را پست می‌کند چاره‌ای نداشته. علاوه بر آنچه مذکور افتاد تقریباً در تمام نسخ کلیات که در اولین ترتیب و تصنیف آنها که هنوز کامل نیست مقدمه‌ای است از علی‌بن‌احمد بن ابوبکر بیستون^۲ (و به روایتی ابن بیستون) مربوط به سنوات ۷۳۴-۷۲۶، شش، یا صحیح‌تر بگوییم هفت رساله منثور است. نخستین این رسالات مقدمه‌ای است، دومین مرکب است از پنج مجلس که با قصیده‌ای در حمد خدا و نعت رسول شروع می‌کند و از مطالبی مانند مقایسه حیات فانی با زندگانی جاودانی، ایمان و بیم از خدای تعالی، عشق الهی، جستن و یافتن حق تعالی صحبت می‌کند. رساله سوم از خود سعدی نیست بلکه محتوی سؤالاتی از وزیر شمس‌الدین جوینی و جواب‌های سعدی است. رساله چهارم در باب عقل و عشق است و در واقع نظر سعدی را در جواب سؤال مولانا سعدالدین معلوم می‌دارد که ضمن هشت بیت از شیخ پرسیده: کدام یک از عقل و عشق می‌تواند بنده را به خداوند تعالی برساند. پنجم موسوم است به نصیحه‌الملوک و به زعم دکتر باخر^۷ مقدمه‌ای بوده به منظومه «صاحبیه»، ولی ریو^۸ گوید: این حدس با این‌که مشعر به هوش صاحب آن است، رساله سوم برای مقدمه صاحبیه بهتر می‌زیبد. رساله ششم مرکب از سه قسمت مختصر است که اولی و آخری باز مستقیماً از قلم سعدی تراوش نکرده. اولین آن دو عبارت است از شرح ملاقات شیخ با سلطان اباقاخان حکمران مغولی (که در ۶۶۳ هـ جای پدرش هلاکو جلوس کرده و در ۸۶۰ مسموم شد) و دومین پندی است به انکیانو حاکم فارس (۶۷۰-۶۶۷ هـ) و سومی شرح ملاقات دیگری است با ملک مس‌الدین (رئیس دیوان مالیات فارس از تاریخ ۶۷۶ به بعد). در بعض نسخ خطی یک رساله هفتم نیز دیده می‌شود که در واقع تقلید لابلایانه‌ای است از مواظ رساله دوم و شاید آن هم در ازاء سؤال مشابه رساله قسمت موسوم به

خبیثات نوشته شده که در مجموعه‌های معمولی به نام «مجلس هزل» یا «هزلیات» ضبط است و آن به واسطه نه حکایت به نام «مضحکات» بلافاصله بعد از خبیثات می‌آید. مثنوی دیگری که به سعدی نسبت داده شده ولی به عقیده بعضی انتساب غلطی است «پندنامه» نام دارد که به سبک شعر عطار ساخته شده و آن نیز با خطاب «کریما» آغاز می‌کند و در هر صورت محسنات سخن سعدی در آن دیده می‌شود و چنان‌که ریو^۹ (جلد دوم فهرست ریو، ص ۸۶۵) ذکر کرده به سال ۸۴۲هـ آن را از آثار قریحه استاد محسوب می‌داشته‌اند.^{۱۰}

از شروخی که به هر دو شاهکار استاد نوشته شده بعضی مهم‌ترش بر وجه ذیل است: شروح بوستان: شرح سروری به فارسی و شرح شمعی و سودی (متوفی در ۱۰۰۶هـ) به ترکی، و شرح‌های فارسی عبدالرسول (۱۰۷۲هـ) و عبدالواعظ هانوی^{۱۱} و شرح‌های شیخ ریاض علی و شیخ قادر علی. نصف اول قرن نوزدهم نیز شاعر متوفی در ۸۳۷هـ موسوم به قاسم انوار منتخباتی از بوستان به نام «خلاصه بوستان» تألیف کرده. شروح گلستان: دو شرح عربی، یکی از طرف یعقوب بن سید علی (متوفی ۹۳۱هـ) دیگر به توسط سروری (که اواخر ربیع‌الثانی ۹۵۷ پایان یافته). سه شرح ترکی اولی توسط لامعی (که در ۹۱۰ پایان یافته) و فقط مربوط به مقدمه گلستان است، دوم توسط شمعی (که به سال ۹۷۷ یا ۹۷۹ تألیف یافته)، سوم توسط سودی. از شروح فارسی یکی تألیف عبدالرسول است که به بوستان هم شرح نوشته، دیگری از محمد نورالله احراری است که حدیقه و مثنوی را شرح کرده (نسخه خطی در ایندیا افیس^{۱۲}). دیگری به عنوان «بهار عمر» توسط مؤلف مجهول به سال ۱۱۱۹ (نسخه در موزه بریتانی)^{۱۳} دیگری تألیف محمد اکرم تحت عنوان «بوستان افروز» (۱۱۸۵هـ) ایضاً از ملامحمد سعد (۱۱۹۷هـ) شرحی دیگر توأم با «لغت‌نامه» تألیف اویس بن علاءالدین که در دهم محرم سال ۹۰۰ به اتمام رسید که موسوم است به مفتاح گلستان.

مآخذ کلی در باب سعدی

مقاله خلمو گوروف^{۱۴} در مجله علمی دانشگاه کازان ۱۸۶۵؛ باخر^{۱۵} تحقیقات راجع به سعدی در مجله انجمن شرقی آلمانی مجلد سی‌ام؛ نو^{۱۶} سعدی شاعر، ۱۸۸۱؛ اته^{۱۷} در دائره‌المعارف بریتانیا، چاپ نهم، ج ۲۱؛ چاپ‌های مختلف کلیات سعدی در کلکته و بمبئی و لکنو و تبریز و طهران؛ چاپ‌های مختلف بوستان در کلکته، کاونپور، لکنو، بمبئی، لاهور، دهلی، تبریز الخ؛ بهترین چاپ منقح اروپایی با شرح فارسی، توسط گراف^{۱۸}، وین ۱۸۵۰ چاپ دیگر با یادداشت‌ها از طرف راجرز^{۱۹}، لندن، ۱۸۹۱؛ - شرح بوستان ریاض علی و قادرعلی چاپ کلکته، ۱۸۴۵ و ۱۸۴۹؛ - بهترین ترجمه‌های بوستان به آلمانی یکی ترجمه گراف^{۲۰}، ۱۸۵۰ و به فرانسوی ترجمه دمینار^{۲۱}، پاریس ۱۸۷۰ و به انگلیسی ترجمه کلارک^{۲۲}، لندن ۱۸۷۹؛ ترجمه ترکی بوستان در دو جلد چاپ استانبول ۱۸۷۱؛ گلستان: چاپ‌های متعدد در کلکته، بمبئی، لکنو (چاپ‌های متعدد و بعضی با ترجمه هندوستانی)، لاهور، دهلی، کاونپور، تبریز، بولاق، قاهره، استانبول، از بهترین چاپ‌های اروپایی چاپ ایستوک^{۲۳} (با شرح لغات) الخ. از ترجمه‌های گلستان به فرانسوی ترجمه دوریه^{۲۴} الخ. به آلمانی توسط اله اریوس^{۲۵} و دیگران؛ به انگلیسی از طرف گلاوین^{۲۶} و دیگران و به روسی توسط نظریانس^{۲۷}؛ به لهستانی توسط اتوینوسکی^{۲۸}؛ به عربی چاپ بولاق ۱۲۶۵ هجری و به ترکی چاپ استانبول ۱۸۷۴ (توأم با متن)، ترجمه دیگر به ترکی توأم با شرح سروری؛ و به هندوستانی توسط (میر شیر علی افسوس) و دیگران. شرح گلستان عبدالرسول چاپ لکنو ۱۲۶۵ هجری؛ ترجمه‌ها و منتخبات متعدد از کلیات سعدی توسط مستشرقین؛ (برای تفصیل این ترجمه‌ها رجوع شود به کتاب «فقه اللغه ایرانی»، آلمانی ۱۹۰۴-۱۸۹۶، ج ۲، ص ۲۹۶^{۲۹}).

پی‌نوشت‌ها:

۱. به نشانه ۸۷۶.

۲. راجع به قصه مسافرت سعدی به سومنات و یمن رجوع شود به باب هشتم و نهم بوستان.

۳. در باب مسافرت مکه و شام و رفتن به بیابان قدس و داستان اسیر افتادن، رجوع شود به باب دوم گلستان(م)

۴. شاید قضاوت مؤلف در «رنگینی و شکوه» شعر جلال‌الدین از لحاظ صیغه عرفانی باشد نه فصاحت.

۵. منظور قصیده‌ای است که با این مطلع شروع می‌کند: حبست بجفنی المدامع لاتجری فلما طغى الماء استطال على السكر. چنان‌که مرثیه معروف فارسی هم با ذکر گریه آغاز می‌کند و گوید: آسمان را حق بود گر خون بگرید بر زمین... الخ

اته، ادبیات فارسی، ۲۱

۶. اینها عناوین قصاید نیست بلکه از مطالب قصاید اقتباس شده برای این مطالب رجوع شود به قصاید ذیل: در وصف بهار، موعظه و نصیحت، اندرز و نصیحت... ایضاً در نصیحت... توحید، برگشت به شیراز(سعدی اینک به قدم رفت و به سرباز آمد... الخ...)(م)

Bacher ۷

Rieu ۸

Rieu ۹

۱۰. به قول ریو در کتاب «تاریخ محمدی» که در ۸۴۲ تألیف یافته آن را از تصانیف سعدی شمرده‌اند مطلع آن این است:

کریمای بېخشای بر حال ما

۱۱. ایندیافیس به نشانه 630

۱۲. به نشانه 2787

۱۳. به نشانه Or366

14. Cholmogorow
15. W.Bacher
16. E.Neve
17. Ethe
18. K.H.Graf
19. A.Ragers
20. K.H.Graf
21. B.De Meynard
22. H.W.Clarke
23. E.B Eastwick
24. A. Duryer
25. Olearius
26. Fr. Gladwin
27. Nazarianz
28. Otivnovski

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۲۹. در باب سعدی از زمان تألیف این کتاب تاکنون تحقیقات مفصل تازه به عمل آمده که شرح آن را در این موقع مجال نیست و به ذکر چند مأخذ خارجی و ایرانی اکتفا می‌ورزد:

کلیات سعدی چاپ طهران ۱۳۲۰ش. با تصحیح مرحوم محمد علی فروغی - گلستان چاپ طهران ۱۳۱۰ش با مقدمه و تصحیح و حواشی میرزا عبدالعظیم خان قریب گرگانی - شرح حال سعدی به فرانسوی به قلم هانری ماسه H. Masse، پاریس ۱۹۱۹ میلادی (این دانشمند بعداً متمی نیز برای کتاب با فهرست کامل تألیفات و مأخذ راجع به سعدی انتشار داده)، شرح حال سعدی در سال دوم، تاریخ ادبی برارون (به انگلیسی) و در *دائرةالمعارف اسلامی* هم بسیار قابل استفاده است. (م)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی